

مؤلفه‌های خانواده سعادتمند در قرآن کریم

چکیده

خانواده به عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش بنیادینی در تأمین آرامش، رشد معنوی و سعادت انسان ایفا می‌کند. قرآن کریم، که کتاب هدایت بشر است، با ارائه رهنمودهایی جامع و دقیق، مؤلفه‌هایی را برای تحقق خانواده‌ای سعادتمند معرفی می‌نماید. هدف این پژوهش، استخراج و تحلیل مؤلفه‌های کلیدی خانواده سعادتمند از منظر قرآن کریم است. با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع تفسیری معتبر، هشت مؤلفه محوری شامل: احترام متقابل، عدالت، سخاوت، ذکر خدا، صداقت، توکل، صله رحم و صبر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها، ضمن تقویت بنیان‌های اخلاقی و عاطفی خانواده، زمینه‌ساز پایداری، رضایت درونی و تعالی معنوی اعضای خانواده می‌گردند. در نتیجه، رعایت این اصول قرآنی می‌تواند خانواده را به نهادی پایدار، متعالی و مبتنی بر ارزش‌های الهی تبدیل کند. این مقاله بر آن است تا با تبیین این مؤلفه‌ها، الگویی قرآنی برای دستیابی به سعادت خانوادگی ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، سعادت، سعادتمند، خانواده سعادتمند، قرآن کریم.

مقدمه

خانواده، نخستین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است که به‌مثابه سنگ‌بنای جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت، باورها و سبک زندگی افراد دارد. کارکردهای حیاتی این نهاد، نظیر تولید نسل، پرورش عاطفی، تربیت دینی و انتقال ارزش‌های فرهنگی، آن را به یکی از اصلی‌ترین مراکز تربیت انسان و تحقق سعادت فردی و اجتماعی بدل کرده است. از منظر قرآن کریم، خانواده تنها یک ساختار اجتماعی نیست، بلکه نهادی مقدس و الهی است که با محوریت محبت، مودت، رحمت، عدالت و ایمان پایه‌گذاری می‌شود و می‌تواند مسیر رشد، تعالی و رستگاری را برای اعضای خود هموار سازد.

در جهان امروز، با گسترش بحران‌های خانوادگی، تضعیف روابط عاطفی، افزایش طلاق، و افول ارزش‌های اخلاقی، ضرورت بازگشت به آموزه‌های قرآنی برای بازسازی خانواده‌ای سالم، مستحکم و سعادتمند بیش از پیش احساس می‌شود. سعادت، به عنوان مفهومی بنیادین در تفکر دینی و فلسفی، در قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارد و در سطح فردی و خانوادگی، ناظر بر تحقق آرامش درونی، رضایت الهی، و کامیابی در دنیا و آخرت است. قرآن کریم، ضمن ترسیم هدف والای زندگی انسان، مؤلفه‌هایی را برای رسیدن به سعادت معرفی می‌کند که در بستر خانواده به‌خوبی قابل اجرا و نهادینه‌سازی هستند.

سعادت خانوادگی در نگاه قرآنی، تنها یک احساس خوشایند زودگذر یا رفاه مادی نیست، بلکه نتیجه تعامل مؤمنانه اعضای خانواده بر پایه ایمان، عمل صالح، صداقت، توکل، انصاف، سخاوت، احترام متقابل، ذکر خدا، صله رحم و دیگر فضایل اخلاقی است. هر یک از این مؤلفه‌ها در آیات متعددی مورد اشاره قرار گرفته‌اند و مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و اخلاقی را برای استقرار آرامش، تفاهم و رستگاری در فضای خانواده فراهم می‌آورند.

از آنجا که قرآن کریم، کتاب هدایت و راهنمایی انسان در تمامی ابعاد زندگی است، تحلیل آموزه‌های آن در باب خانواده و شناسایی مؤلفه‌های سعادت، می‌تواند چراغی راهگشا در بازسازی روابط خانوادگی و تحقق جامعه‌ای الهی باشد. این پژوهش با هدف تبیین مؤلفه‌های خانواده سعادتمند از منظر قرآن کریم، به بررسی مفاهیم بنیادین سعادت، نقش اخلاق الهی در زندگی خانوادگی، و تأثیر عناصر معنوی و اخلاقی در ایجاد محیطی آرام، سالم و الهی در خانواده می‌پردازد. با وجود انجام تحقیقات متعدد در باب سعادت و سعادتمند و اشارات مستقیم و غیر مستقیم به خانواده سعادتمند، اما نگارنده به تحقیق مستقل و موجز در این زمینه دسترسی پیدا نکرد. همین امر سبب گردید که در نگاشته حاضر به اجمال مؤلفه‌های خانواده سعادتمند با مراجعه به کلام وحی مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی

به منظور شفافیت انجام روند تحقیق، ابتدا اهم مفاهیم ارائه می‌گردد:

1. خانواده

خانواده به معنای اجتماع مبتنی بر قرابت نسبی و سببی، دارای حقوق، وظایف و مدیریت است.

2. سعادت

سعادت به معنای خوشبختی و نیک‌بختی، امری اکتسابی که بر اساس ایمان، عمل صالح و اختیار انسان شکل می‌گیرد.

3. سعادت‌مند

سعادت‌مند فردی است که به واسطه‌ی ویژگی‌های اخلاقی و معنوی، در زندگی به سعادت واقعی دست یافته است.

سعادت در قرآن کریم

قرآن سعادت را به دو دسته تقسیم می‌کند: سعادت معنوی و سعادت اخروی. در قیامت، انسان یا سعید و سعادت‌مند است یا شقی و بدبخت. عمل صالح، ایمان، صبر، توکل و رضایت از خداوند از مؤلفه‌های سعادت محسوب می‌شوند.

سعادت و اصلاح درونی

سعادت حقیقی با اصلاح مداوم اخلاق و صفات درونی انسان حاصل می‌شود. ثبات شخصیت در برابر سختی‌ها و مشکلات، نشانه‌ای از سعادت واقعی است. سعادت تنها با تمرکز بر اصلاح همه‌ی صفات درونی، و نه برخی از آن‌ها، امکان‌پذیر است. (ملا مهدی نراقی، 78)

دیدگاه فلاسفه درباره سعادت

فلاسفه همچون ارسطو سعادت را ترکیبی از نفس و بدن می‌دانند. سعادت شامل سلامت جسمی، فضائل اخلاقی، مال و موفقیت اجتماعی است. برخی حکما سعادت را در دستیابی به حکمت و فضائل انسانی می‌دانند. (رشیدپور: 140)

سعادت و توکل بر خدا

توکل حقیقی به خداوند، یکی از ارکان سعادت فردی و خانوادگی است. هرچه اعتقاد انسان به توحید و یکتاپرستی محکم‌تر باشد، آرامش و رضایت بیشتری کسب می‌کند. قرآن بر اهمیت توکل و ارتباط قلبی با خدا در دستیابی به سعادت تأکید دارد. (گرمیان و هاشمی: 36)

لذت‌طلبی و سعادت در قرآن

قرآن میل انسان به سعادت و لذت را تأیید می‌کند، اما آن را در چارچوب الهی هدایت می‌کند. وعده‌های بهشت و نعمت‌های الهی نشان‌دهنده‌ی پذیرش فطری انسان در جستجوی لذت و سعادت است. (اسدپور و دیگران: 346) سعادت حقیقی در گرو ایمان، عمل صالح و زندگی بر پایه‌ی ارزش‌های الهی است. در این قسمت به اهم ویژگی‌های خانواده سعادتمند اشاره می‌رود:

1. احترام متقابل

تواضع یکی از ویژگی‌های درونی انسان است که مانع برتر دیدن خود نسبت به دیگران می‌شود و زمینه‌ساز احترام به دیگران، به‌ویژه در خانواده است. احترام بین زن و شوهر، پایه‌ای برای استحکام زندگی زناشویی است. همسران باید یکدیگر را ارزشمند بدانند، با دقت به صحبت‌های هم گوش دهند و احترام خود را با رفتار و گفتار نشان دهند. این نوع احترام باعث ایجاد آرامش، عزت، و رضایت در زندگی می‌شود. احترام متقابل به معنای نادیده گرفتن اختلافات یا پنهان کردن احساساتی مثل خشم و ناراحتی نیست. زن و شوهر می‌توانند از رفتار نادرست یکدیگر انتقاد کنند، اما باید از تندخویی پرهیز کنند تا انتقاد سازنده و مؤثر باشد. گاهی اختلافات سطحی مانند رعد و برق‌اند که در نهایت باعث باروری درخت زندگی مشترک می‌شوند، اگر با احترام مدیریت شوند. (حسینی: 22)

در قرآن نیز بر احترام به والدین، خویشاوندان، یتیمان، و دیگران تأکید شده است: «أَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا؛ خدا را پرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان نیکی کنید؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستاست، دوست ندارد.» (نساء: 36) دعوت به پرستش خالصانه خداوند و نیکی به اطرافیان شده و آمده است که خداوند افراد متکبر و ریاکار را دوست ندارد. این آیه توحید عملی را بیان می‌کند؛ یعنی انسان باید فقط برای خدا نیکی کند، نه برای خودنمایی یا پیروی از هواهای نفسانی. (طباطبایی، ج 4: 561) نیز: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ؛ یاد کنید زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید، و با مردم با خوش‌زبانی سخن گوید، و نماز را بر پا دارید، و زکات بپردازید، سپس همه شما جز اندکی از پیمان خدا روی گردانیدید؛ و شما به طور عادت روی گردان هستید.» (بقره: 83) در پیمانی با بنی‌اسرائیل، خداوند آن‌ها را به پرستش یگانه، نیکی به والدین، یتیمان، خویشان و مستمندان، و خوش‌رفتاری با مردم دعوت کرده است. این آیه نشان می‌دهد که احسان و احترام از ارکان اصلی زندگی ایمانی و انسانی است؛

بنابراین احترام متقابل در خانواده نه تنها نشانه‌ی بلوغ فردی است بلکه بر اساس تعالیم دینی نیز امری واجب و سازنده است. با رعایت احترام، حتی اختلافات نیز می‌توانند به رشد و پایداری روابط کمک کنند. (طباطبایی، ج 1: 329)

2. انصاف و عدل

انصاف به معنای رعایت عدالت، دادگری و خواستن برای دیگران آن‌چنان که برای خود می‌خواهیم است. در نگاه اسلامی، انصاف یکی از مهم‌ترین پایه‌های روابط انسانی، به‌ویژه در خانواده است. هر فرد موظف است در تعامل با همسر، فرزندان و دیگر اعضای خانواده و جامعه، جانب انصاف را رعایت کند و به هیچ وجه خودخواهانه برخورد نکند. انصاف یعنی حتی در شرایط اختلاف نیز حق را مقدم بدانیم، بدون توجه به اینکه طرف مقابل چه نسبتی با ما دارد. (انصاریان: 514)

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد، و از فحشا و منکر و ستم‌گری نهی می‌کند. شما را اندرز می‌دهد تا متذکر [این حقیقت] شوید که فرمان‌های الهی، ضامن سعادت دنیا و آخرت شماست. (نحل: 90) خداوند فرمان می‌دهد به عدل، احسان و بخشش به خویشان، و نهی می‌کند از فحشا، منکر و ستمگری. این آیه پایه‌ای‌ترین اصول اخلاق اجتماعی و خانوادگی را بیان می‌کند. عدل در این آیه به معنای رعایت حق و انصاف در همه ابعاد زندگی است و از واجبات به‌شمار می‌آید، در حالی که احسان امری اخلاقی و تشویقی است. در زندگی خانوادگی، عدل یعنی رفتار برابر، شنیدن سخن همه و قضاوت منصفانه نمودن (طبرسی، ج 3: 412).

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكَلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذِكْرُكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ به مال یتیم جز به روشی که نیکوتر است، نزدیک نشوید تا به حد بلوغ بدنی و عقلی خود برسد، و پیمانانه و ترازو را بر اساس عدالت و انصاف کامل و تمام بدهید؛ هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم؛ و هنگامی که سخن گوید، عدالت ورزید هر چند درباره خویشان باشد، و به پیمان خدا وفا کنید؛ خدا این [گونه به شما سفارش کرده تا پند گیرید. (انعام: 152)] در این آیه، علاوه بر تأکید بر رعایت عدالت در برخورد با اموال یتیمان و معاملات، به عدالت در گفتار نیز توجه شده است. خداوند می‌فرماید حتی زمانی که سخن می‌گویید، باید عدالت را رعایت کنید؛ ولو در مورد نزدیک‌ترین خویشان باشد. همچنین تأکید دارد که خدا کسی را بیش از توانش مکلف نمی‌کند. این بیان نشان می‌دهد که اسلام انصاف را نه تنها در رفتار، بلکه در سخن و داوری نیز الزامی می‌داند؛ بنابراین: در اسلام، انصاف و عدالت پایه روابط سالم است. هیچ رابطه‌ای—اعم از زناشویی، خانوادگی یا اجتماعی—بدون انصاف پایدار نخواهد

هرگونه آمیختگی دانسته است و شیخ بهایی از زبان عرفا، آن را پاک کردن عمل از هر سهمی برای غیر خدا معرفی می‌کند. یعنی انسان حتی در نیت خود هم جز خدا را در نظر نگیرد. (انصاری: 31)

بر اساس آموزه‌های عرفانی، اخلاص مراتبی دارد: پیش از عمل نیت خالصانه؛ در حین عمل: دوری از ریا و عجب؛ پس از عمل: پنهان نگه داشتن عمل از دیگران و عدم خودنمایی. امام باقر (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: ثبات بر عمل از خود عمل سخت‌تر است، یعنی گاهی انسان کاری را برای خدا انجام می‌دهد، اما پس از آن با بازگو کردن یا خودستایی، آن را فاسد می‌کند و تبدیل به ریا می‌شود.

آیات قرآن درباره اخلاص فراوان است، از جمله: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» بگو: پروردگارم به میانه روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط [فرمان داده و] امر فرموده: [در هر مسجدی] به هنگام عبادت [روی] دل [خود را] آن گونه [متوجه خدا کنید] که از هر چیزی غیر او منقطع شود، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می‌کنید بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، پس از مرگ به او [بازمی‌گردید].» (اعراف: 29) در این آیه به مقام توجه کامل قلبی و عبادت بدون آمیختگی به هوای نفس تأکید شده است. اخلاص یعنی حتی در نیت‌های پنهان نیز غیر خدا را راه ندهیم و فقط برای رضایت او عمل کنیم (خانی، ج 5: 263)

نیز «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» بگو: من مأمورم که خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او از هر گونه شرکی خالص می‌کنم، بپرستم. (زمر: 11) در این آیه پیامبر مأمور به عبادت خالصانه است، و این نشان می‌دهد که حتی بالاترین بندگان الهی نیز به اخلاص نیاز دارند. دین‌داری واقعی بدون اخلاص بی‌ارزش است. بنابراین: خلاص روح عبادت و عمل است. بدون اخلاص، حتی بزرگ‌ترین عبادات نیز بی‌اثر خواهند بود. انسان باید در هر لحظه مراقب نیت خویش باشد، و پس از انجام عمل نیز آن را از آفت‌های ریا و خودستایی حفظ کند. اخلاص در واقع همان بازگشت کامل به خداوند و بیرون آمدن از خودخواهی است؛ مسیری که به قرب الهی می‌انجامد. (گنابادی)

10. نیکی کردن

نیکی کردن یا احسان در قرآن و روایات جایگاه والایی دارد و مفهومی فراتر از عدالت دارد. اگر کسی به ما نیکی کرد و ما همان را جبران کردیم، این عدالت است؛ ولی اگر بیش از آن نیکی کنیم، احسان است. احسان تنها محدود به پاسخ به خوبی نیست، بلکه شامل نیکی به کسی که به ما بدی کرده، عفو، بخشش و رفتار کریمانه در برابر ظلم نیز می‌شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: اگر نمی‌توانید نیکی را با نیکی پاسخ دهید، حداقل سپاسگزاری کنید که شکرگزاری هم نوعی پاداش است. نیکی کردن نتایجی همچون جذب دل‌ها، جلوگیری از مرگ بد، طول عمر، برکت در خانه و ورود به بهشت دارد. در خانواده نیز اعضا باید اهل نیکی باشند تا فضای مهر، گذشت و همکاری حاکم شود. (جوادی آملی: 529)

آیات مؤکد نیکی متعددند از جمله: الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ آنان که در گشایش و تنگ دستی انفاق می کنند، و خشم خود را فرو می برند، و از [خطاهای] مردم در می گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (آل عمران: 144)؛ «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَئِنْ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی [واقعی و کامل، که شایسته است در همه امور شما ملاک و میزان قرار گیرد، منش و رفتار و حرکات [کسانی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده اند، و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و] در راه آزادی [برندگان می دهند، و نماز را [با همه شرایطش] برپای می دارند، و زکات می پردازند، و چون پیمان بندند وفاداران به پیمان خویشند، و در تنگدستی و تهیدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیبایند؛ اینانند که] در دین داری و پیروی از حق [راست گفتند، و اینانند که پرهیزکارند]» (بقر: 177). نیکی تنها به ظواهر دینی نیست، بلکه شامل ایمان به خدا و قیامت، انفاق با علاقه، کمک به نیازمندان، ادای زکات، وفای به عهد، و صبر در مشکلات است. این آیه، جامع ترین توصیف نیکی در قرآن است که ایمان، اخلاق و عمل را با هم مطرح می کند. در مجموع، نیکی و احسان ستون اخلاق اسلامی است که هم رابطه انسان با خدا را استحکام می بخشد و هم روابط انسانی را به تعالی می رساند. (قرائتی، ج 1: 274)

نتیجه‌گیری

با تأمل در آیات نورانی قرآن کریم، می‌توان دریافت که خانواده در منظومه فکری قرآن، نهادی مقدس و محوری برای رشد و کمال انسان است. قرآن نه تنها به اهمیت تشکیل خانواده اشاره دارد، بلکه به صورت ریشه‌ای به ابعاد گوناگون آن از جمله روابط همسران، تربیت فرزندان، اخلاق خانوادگی و نقش ایمان و معنویت در انسجام خانواده پرداخته است. بر اساس این آموزه‌ها، خانواده سعادت‌مند تنها در گرو رفاه مادی یا مناسبات سطحی نیست، بلکه حاصل همزیستی معنوی، اخلاقی، و توأم با مسئولیت‌پذیری اعضای آن است.

از دیدگاه قرآن، مؤلفه‌هایی همچون ایمان به خدا، تقوا، محبت و مودت، رحمت، عفو و گذشت، مشورت، عدالت، وفای به عهد، احترام متقابل، تربیت صحیح فرزندان، و توکل بر خداوند، پایه‌های اساسی یک خانواده سعادت‌مند را شکل می‌دهند. این مؤلفه‌ها نه تنها روابط درون خانوادگی را از تنش، سوء تفاهم و گسست محافظت می‌کنند، بلکه مسیر رشد معنوی و دستیابی به آرامش قلبی و رضایت الهی را هموار می‌سازند. قرآن، همسران را لباس یکدیگر می‌نامد و این استعاره، نشان از عمق پیوند عاطفی، حمایتی و اخلاقی در زندگی خانوادگی دارد.

با بررسی مصادیق قرآنی، روشن شد که قرآن کریم خانواده را محیطی می‌داند که در آن، با رعایت اصول الهی و اخلاقی، می‌توان به امنیت روانی، ثبات عاطفی، شکوفایی انسانی و در نهایت سعادت دنیوی و اخروی دست یافت. همچنین مشخص شد که فقدان این مؤلفه‌ها منجر به فروپاشی روابط، گسترش آسیب‌های روانی و اجتماعی، و از بین رفتن نقش بنیادین خانواده در تربیت انسان می‌شود. در عصر حاضر که نهاد خانواده با چالش‌های متعددی از جمله فردگرایی افراطی، تضعیف ارزش‌های اخلاقی و بحران‌های ارتباطی مواجه شده است، بازگشت به تعالیم حیات‌بخش قرآن کریم می‌تواند راه‌حلی اصولی و پایدار برای احیای خانواده و ایجاد جامعه‌ای متعادل و معنوی باشد. بهره‌گیری از این آموزه‌ها نه تنها موجب بهبود کیفیت روابط خانوادگی می‌شود، بلکه به تحقق جامعه‌ای سعادت‌مند و مبتنی بر عدالت، محبت و ایمان کمک خواهد کرد. در نتیجه، می‌توان نتیجه گرفت که سعادت خانواده در نگاه قرآن، امری تحقق‌پذیر و نظام‌مند است که با پیروی از ارزش‌های الهی، اخلاقی و انسانی، و با التزام عملی به فرامین خداوند، به‌طور عینی در بستر زندگی قابل دستیابی است. نهادهای سازنده این مؤلفه‌ها در خانواده، رسالتی مهم برای متولیان فرهنگی، آموزشی و دینی جامعه است، که می‌تواند زیربنای تمدنی نوین مبتنی بر معنویت، محبت و خرد جمعی را فراهم آورد.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

1. اسدپور، اسماعیل؛ قلاوند، مصطفی؛ خادمی، فضل الله، روانشناسی خودشکوفایی از منظر اسلام و روانشناسان انسانگرا، چاپ اول، انتشارات انسان.
2. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، 1398، قم: دار الفرقان.
3. انصاری، خواجه عبدالله، منازل السائرین، 1392، بیجا، نشر بیدار.
4. بقایی، یعقوب، بخشش در خانواده، 1401، قم: اخلاق و تربیت.
5. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاء، 1396، قم: اسراء.
6. حسینی، سید داوود، روابط سالم در خانواده، 1386، چاپ 17، قم: انتشارات موسسه بوستان و کتاب مرکز نشر دفتر تبلیغاتی اسلامی حوزه علمیه قم.
7. خانی، رضا؛ ریاضی، حشمت الله، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العبادۀ، 1372، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
8. رشیدپور، مجید، مبانی اخلاق اسلامی، 1377، بیجا، پرتو امان.
9. طباطبایی، سیدمحمد حسین، مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، ج 4 و 1، 1374، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
10. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر قرآن (مترجمان)، ج 4 و 19، 1360، تهران: فراهان.ی.
11. _____، تفسیر جوامع الجامع، ج 3 و 2 و 1، 1376، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
12. عبدوس، محمد تقی؛ محمدی، محمد، اصول اخلاقی، 1375، قم: انتشار مرکز اسلامی دفتر تبلیغات.
13. قرائتی، محسن، تفسیر نور، 1388، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
14. گرمیان، محمد مهدی؛ هاشمی، خدیجه، سلسله مباحث سبک زندگی قرآنی (فرایند ارتباط انسان با انسان)، 1398، بیجا، تلاوت.

15. گنابادی، حاج سلطان محمد، مترجم: طاهری، سید محمود، 1396، بیجا، بیجا.
16. مترجمان، تفسیر هدایت، ج 15 و 4، 1377، مشهد: بنیاد پژوهان آستان قدس رضوی.
17. محدثی، جواد، بر کرانه از چهل حدیث امام خمینی، 1395، قم: حوزه علمیه قم مرکز مدیریت حوزه خواهران.
18. _____، اخلاق معاشرت، 1379، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
19. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 17 و 10، 1374، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
20. مهدوی کنی، اخلاق عملی، تخلص و تنظیم محمد سلیمانی کیاسری، 1391، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
21. نراقی، ملا مهدی، ترجمه کامل جامع السعادت، مترجم: کریم فیضی، جلد اول، 1394، چاپ پنجم، بیجا، انتشارات قائم آل علی.